

مرز سرخ بین سازشکاران و مرتجعین با مدافعین راستین آزادی و منافع توده‌ها تنها با دفاع از یک انقلاب اجتماعی که نابودی نظام ضدخلقی و استثمارگرانه کنونی با تمام تجلیات و ارگان‌های سرکوب آن را با اتکا به قدرت توده‌های انقلابی آماج گرفته است، ترسیم می‌شود.

نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدایی خلق ایران ، شماره ۴۶ - ۱۵ شهریور ۱۳۸۵

بویژه کمونیست‌ها، نظام جابرانه و کثیف خود را از گزند جنبش انقلابی مردم حفظ نموده و به خیال خام‌شان عمر حکومت منحوس خویش را "جاودانه" سازند. اما چیزی نگذشت که در شرایط تشدید فقر و استثمار و دیکتاتوری، پیام عدالت‌خواهانه جان‌باختگان قتل عام سال ۶۷ در جوشش‌های مبارزاتی نسل جدیدی از جوانان و توده‌های تحت ستم پژواک شد و بار دیگر موجودیت رژیم ضدخلقی و رسوای جمهوری اسلامی را در شهرها و روستاها و در کارخانجات و دانشگاه‌ها و... آماج خود قرار داد.



به یاد آن "عاشقان شرزه که با شب نزیستند!"

جرم‌شان برخاستن و مبارزه برای آزادی و دموکراسی و رسیدن به جامعه‌ای عاری از استثمار و محرومیت بود را در عرض مدت کوتاهی از دم تیغ گذراندند. جلادان جمهوری اسلامی با قتل عام وحشیانه زندانیان سیاسی کوشیدند تا ضمن حذف فیزیکی نسلی از انقلابیون و

جنبش انقلابی توده‌ای در برابر نظام حاکم هرچه گسترده‌تر، سر برمی‌آورد، دژخیمان حکومت به دستور مستقیم خمینی جلاد طبق برنامه‌ای از پیش سازمان‌یافته و مخوف هزاران تن از بهترین و پاکترین نوجوانان و جوانان و زنان و مردان مبارز خلق که تنها

شهریور ماه هر سال یادآور یکی از سهمناکترین جنایات رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در زندان‌ها بر علیه کارگران و خلق‌های تحت ستم ماست. ۱۸ سال پیش (سال ۱۳۶۷) در چنین ایامی با پایان یافتن جنگ ضدخلقی ایران و عراق در شرایطی که امواج سهمگین یک

(ادامه در صفحه ۲)

اسلامی و در شرایط بسیار وحشتناکی که در زندان برای او درست کرده بودند، درگذشت.

مرگ فیض‌الله مهدوی سند دیگری از جنایات رژیم جمهوری اسلامی بر علیه مردم ما و بویژه زندانیان سیاسی‌ای است که در سخت‌ترین شرایط در سیاهچال‌های این رژیم ضدخلقی بسر می‌برند. مرگ فیض‌الله مهدوی به فاصله کمتر از یک ماه و نیم از مرگ اکبر محمدی، یکی دیگر از زندانیان سیاسی، صورت می‌پذیرد که در شرایط مشابهی در سیاهچال اوین درگذشت. مرگ این دو زندانی سیاسی خشم و نفرت عمومی بر علیه حکومت ضدخلقی جمهوری اسلامی را هرچه بیشتر برانگیخته و افکار عمومی را به وضعیت دهشتناک زندانیان سیاسی اسیر در چنگال جمهوری اسلامی جلب کرده است.

مرگ یک زندانی سیاسی دیگر در سیاهچال‌های جمهوری اسلامی

روز ۱۱ شهریور ماه جاری فیض‌الله مهدوی، یکی از زندانیان سیاسی، در حالی که بیش از یک هفته در اعتصاب غذا بسر میبرد، در سیاهچال "رجایی شهر" دچار سکتة مغزی شد و درگذشت. وی در سال ۱۳۸۰ از سوی مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به اتهام تلاش برای ارتباط با سازمان مجاهدین خلق دستگیر و به اعدام محکوم شده بود. با وجود آن که حکم اعدام وی بعداً تخفیف یافت ولی این تغییر هیچگاه به او ابلاغ نشد. فیض‌الله مهدوی در اعتراض به شرایط غیرانسانی اسارت خویش، از تاریخ ۴ شهریور ماه دست به اعتصاب غذا زد و سرانجام در چنگال دژخیمان جمهوری





به یاد آن "عاشقان شرزه ..."

بقیه از صفحه ۱

از آن دوره به بعد، به رغم تمامی تلاش‌های فریبکارانه جمهوری اسلامی در پوشاندن ابعاد جنایت و رسوایی خویش در قتل عام سال ۶۷، "خاوران" و خاوران‌ها در سراسر کشور به میعادگاه توده‌های مبارز و خانواده‌های مقاوم جانب‌خستگان و زندانیان سیاسی، تبدیل شد. با وجود تمامی تمهیدات سرکوبگرانه سران جنایتکار جمهوری اسلامی، جوانان مبارز و عدالت‌خواه هر سال با فرارسیدن این ایام بر مزار کمونیست‌ها و مبارزین جان‌باخته در قتل عام سال ۶۷ گرد می‌آیند. آنها به هر طریقی - هر جا هم که بتوانند با فریاد - خود به قاتلان عزیزان‌شان اعلام می‌کنند: "نمی‌بخشیم"، "فراموش" هم نمی‌کنیم! و "تا مجازات عاملین و آمرین قتل عام ۶۷ از پای نمی‌نشینیم!" و هر سال گورهای دسته‌جمعی بی نام و نشان در گورستان تخریب شده توسط بولدورهای حکومت را دوباره می‌سازند و جلا می‌دهند. آنها مزار عزیزان‌شان را با انبوه گل‌های سرخی که نشانگر خروش و انقلاب است می‌آریند و جوانان با بازوان گره کرده به عنوان اتحاد و با خواندن سرودهای مبارزاتی و تکرار "سر اومد زمستون، شکفته بهارون" و "باید از ریشه براندازیم کهنه جهان جور و بند، و آنکه نوین جهانی سازیم، هیچ بودگان هرچیز گردند" و... در حقیقت خنجر دادخواهی و مجازات ستمگران و نظام استثمارگرانه آنها را با کینه مقدس خویش می‌آلیند و بدینگونه یاد و راه آن "سروهای ایستاده" را گرامی می‌دارند.

از سوی دیگر، رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی که به رغم تمامی تمهیدات سرکوبگرانه خویش در سال‌های اخیر قادر به ممانعت از تجمع مردم و بویژه خانواده‌های قربانیان سال ۶۷ در خاوران نشده، می‌کوشد تا ضمن تداوم اقدامات سرکوبگرانه و پیشگیریانه خویش برای محدود ساختن دامنه تجمعات توده‌ای در این محل، شرایطی را ایجاد سازد تا هر جا هم گروه‌هایی از جوانان و افراد شرکت‌کننده واقعی به محدودیت‌های مزدوران حکومت نمی‌گذارند و در مراسم سالگرد در خاوران شرکت می‌کنند، این تجمعات نیز حتی‌الامکان زیر پرچم عناصر و جریان‌ات "لیبرال"، توده‌ای و "پرو- توده‌ای" و خلاصه نیروهای سازشکاری به پیش رود که یا سوابق آنان در نزدیکی و حتی خدمتگزاری به جمهوری اسلامی بر کسی پوشیده نیست (نظیر توده‌ای توابع سابق، محمدعلی عموی)، و یا "مخالفت" آنان خطر جدی‌ای را متوجه نظام نمی‌کند؛ تا به این ترتیب از رادیکالیسم این حرکات و شعارهای انقلابی آن برعلیه جمهوری اسلامی هرچه بیشتر کاسته شود.

در چنین چارچوبی است که ما شاهد بودیم در ۱۰ شهریور ماه امسال نیز گورستان خاوران شاهد تجمع گروهی از مردم و جوانانی بود که به رسم سال‌های اخیر و به رغم موج تدابیر سرکوبگرانه و امنیتی حکومت در خاوران تجمع کرده و یاد و راه جان‌باختگان قتل عام سال ۶۷ را گرامی داشتند. لازم به یادآوری است که سال گذشته جمعیتی بالغ بر ۲-۳ هزار تن از مردم و بویژه جوانان در خاوران گرد آمدند و یکی از پرشورترین مراسم‌های گرامی‌داشت یاد جان‌باختگان سال ۶۷ در سال‌های اخیر را برگزار کردند. امسال مراسم بزرگداشت یاد زندانیان سیاسی قتل عام شده، در شرایطی برپا شد که، رسماً برای فراخواندن مردم در تهران برای حضور در خاوران "دعوت‌نامه"هایی که بصورت "علنی" از سوی برخی "نهادهای" و

"گروه‌ها"ی شناخته شده تهیه شده بود در میان مردم پخش گردید. این موضوع مهمی است که نیروهای انقلابی باید توجه لازم را به آن مبذول دارند.

واقعیت این است که اقدامات مبارزاتی وافشاگرانه‌ای که در طول سال‌ها در درجه اول توسط خانواده‌ها و بستگان آن به‌خون‌خفتگان و همچنین توسط نیروهای آزادی‌خواه و انقلابی چه در داخل و چه در خارج کشور برعلیه جمهوری اسلامی سازمان یافته، توانسته تا حدودی افکار عمومی را به عمق جنایت رژیم در سال ۶۷ و ماهیت ضدخلقی سازمان‌دهندگان این جنایت جلب کند. در چنین شرایطی است که امروز سیاستمداران دست‌اندرکار جمهوری اسلامی بر مبنای سیاست سوار شدن بر موج مبارزات مردم سعی دارند از طریق بعضی نهادها و گروه و افرادی که هر مخالفت و یا تضادی هم که با رژیم داشته باشند بلاخره حرف طبقه حاکم را زده و به نحوی خواست این رژیم را اجابت می‌کنند، این حرکت مبارزاتی را از محتوای انقلابی خود خالی ساخته و به هر ترتیب رهبری آن را به دست اپوزیسیون قانونی خود بسپارد.

بدون شک در طول ۱۸ سال گذشته درباره ریشه‌ها و دلایل و ابعاد جنایت فاشیستی سران جمهوری اسلامی در قتل عام زندانیان سیاسی به کرات نوشته و گفته شده است؛ بیدادگاه‌های چند دقیقه‌ای، اعدام‌های دست‌جمعی، دفن شتابزده و دست‌جمعی پیکر استوار شیر زنان و شیر مردان جان‌باخته و نیمه‌جان در گورهای جمعی نظیر خاوران، شکنجه و پیگرد خانواده‌های داغدار زندانیان سیاسی و بلاخره انواع و اقسام اقدامات تبهکارانه و غیرانسانی‌ای که تنها از عهده جنایان قسی‌القلب و مزدوران سینه‌چاک امپریالیسم برمی‌آید همه و همه گوشه‌هایی از این جنایت



فجیع توسط جمهوری اسلامی را به نمایش می‌گذارند. مسلم است که افشاگری در این زمینه کماکان باید ادامه یابد. اما نکته‌ای که در کوران این افشاگری‌ها باید مورد توجه قرار گیرد عبارت از آن است که بزرگداشت یاد تک تک انقلابیون و مبارزینی که در قتل‌عام سال ۶۷ بر خاک افتادند، نباید صرفاً در سطح افشاگری جنایات رژیم در جریان آن قتل‌عام محدود بماند. چه، با توجه به رشد آگاهی مبارزاتی و ارتقاء سطح جنبش توده‌ای جاری در جامعه در طول ۲ دهه اخیر، نیروهای انقلابی با درجا زدن در این حوزه، صرفاً خود را با انواع و اقسام سازشکاران و فریبکاران و حتی عناصر و محافل ضدحلقی‌ای در درون خود طبقه حاکمه هم سطح می‌سازند که حاضرند برای پیشبرد اهداف ضد مردمی و فریبکارانه‌شان روزانه صدها بار با بانگی رساتر بر علیه "استبداد" جمهوری اسلامی و "جنایات" این رژیم در "گذشته" و بخصوص برخی "جناح‌های" این حکومت "افشاگری" کنند. مرز سرخ بین سازشکاران و مرتجعین با مدافعین راستین آزادی و منافع توده‌ها تنها با دفاع از یک انقلاب اجتماعی که نابودی نظام ضدحلقی و استثمارگرانه کنونی با تمام تجلیات و ارگان‌های سرکوب آن را با اتکا به قدرت توده‌های انقلابی آماج گرفته است، ترسیم می‌شود.

در نتیجه، مساله اصلی و هدف نیروهای واقعا انقلابی و مدافع منافع توده‌ها در بستر این افشاگری‌های لازم باید، تبلیغ و تلاش برای ایجاد آن نظام و شرایطی باشد که در آن اصولاً جامعه نیازی به کاربرد شکنجه، اعدام، کشتار و حذف فیزیکی مخالفین و سازماندهی جنایات فجیعی نظیر قتل‌عام سال ۶۷ نداشته باشد. ایجاد چنین شرایطی تنها از کانال مبارزه مشترک همه کارگران و زحمتکشان و همه توده‌های تحت ستم ایران بر علیه جمهوری اسلامی و قدرت‌های امپریالیستی امکان‌پذیر است. این، آن آرمان گرانبهایی‌ست که هزاران تن از عزیزان ما، این پاکترین فرزندان خلق در سال ۶۷ جان خود را در راه تحقق آن نثار نمودند. در هجدهمین سالگرد قتل‌عام زندانیان

سیاسی در سال ۶۷، با پژواک این پیام بکوشیم تا یاد آن ستارگان تابناک آسمان خلق را آطور که شایسته آنان است پاس داریم!

در حاشیه سرکوب وحشیانه کارگران "پریس"

بقیه از صفحه ۴

در این تاریخ، کارگران محروم و رزمنده کارخانه "پریس" سندج که برای دستیابی به خواسته‌های صنفی برحق خویش به مدت ۸ روز به‌مراه خانواده‌های دردمندان در محیط کارخانه دست به تحصن زده بودند، تا صدای خویش را بگوش مردم برسانند با هجوم سازمانیافته نیروهای انتظامی و امنیتی جمهوری اسلامی مواجه شده و حرکت اعتراضی آنها با وحشیگری تمام توسط رژیم مدافع سرمایه داران زالوصفت در هم شکسته شد. به دستور فرمانداری ضدحلقی و "شورای تامین استان" سه اتوبوس حامل نیروهای سرکوبگر با باتوم و گاز اشک آور به کارگران متحصن حمله ور شده و با ضرب و شتم آنها تعدادی را زخمی و عده‌ای از کارگران بیگناه و بستگان‌شان را هم با اتهاماتی نظیر "اقدام علیه امنیت ملی" دستگیر و به سیاهچالهای خویش منتقل نمودند.

بدون شک سرکوب و ضرب و شتم وحشیانه کارگران "پریس" اولین جنایت جمهوری اسلامی نبوده و آخرین آن نیز نخواهد بود. اما تجربه این حرکت تاکیدی دوباره بر این واقعیت مبارزاتی می‌گذارد که در شرایط حاکمیت نظام سرمایه داری وابسته و دیکتاتوری شدیداً وسیعاً قهرآمیز و عریان ناشی از آن در کشور ما، حکومت سرمایه داران تحمل کمترین مبارزات و مقاومت‌های کارگران در مقابل شرایط فوق‌العاده ظالمانه و وحشیانه استثمار را نداشته و ندارد. تحت سلطه چنین نظام ضدحلقی‌ای، همانگونه که کارگران مبارز ما بارها تجربه کرده اند، پیگیری جدی هرگونه

مطالبات صنفی کارگران، از قبیل مزد عادلانه، بهبود شرایط کار، تامین اجتماعی، حق برخورداری از تشکلهای صنفی و... هرچقدر هم که این خواستهها کوچک و بدیهی باشند، جز با سرکوب و قهر از سوی طبقه حاکم و حکومت آنها پاسخ نخواهد گرفت. در چنین شرایطی است که مبارزات دلاورانه کارگران مبارز ما برای کسب حقوق عادلانه‌شان- که به رغم تشبثات سرکوبگرانه دیکتاتوری حاکم، هر روز در اشکال و سطوح متفاوت جریان می‌یابد- به کانال انقلاب برای سرنگونی رژیم ضدحلقی جمهوری اسلامی و نابودی نظامی کشیده می‌شود که عامل اصلی فقر و ادبار و استثمار و سرکوب تمامی توده‌های تحت ستم و زحمتکش ماست. ■

هراس امپریالیست‌ها از کاهش بازارهای خود در ایران

بقیه از صفحه ۴

اعلام نگرانی مقامات آلمانی در مورد تاثیرات اقدامات احتمالی بر علیه جمهوری اسلامی بویژه از سوی آمریکا در حالی‌ست که جمهوری اسلامی در سال ۲۰۰۵ با پیشی گرفتن از کشورهای نظیر امارات متحده عربی و عربستان سعودی، بزرگترین بازار صادراتی برای کالاهای آلمانی در ایران را فراهم کرده و بیش از ۴/۴ میلیارد یورو کالا از این کشور وارد نموده است. به گفته اتاق بازرگانی آلمان در حال حاضر حداقل ۵۰ شرکت آلمانی در ایران دارای دفتر هستند و بیش از ۱۲ هزار شرکت دیگر در ایران "نمایندگی" دارند. شایان ذکر است که ایران با ۱۹۶ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی و به برکت سلطه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، یکی از بزرگترین بازارهای پرسود برای امپریالیست‌های جهان‌خوار در خاورمیانه را تشکیل می‌دهد. ■



هراس امپریالیست‌ها از کاهش بازارهای خود در ایران

در روزهای اخیر با پایان ضرب‌العجل شورای امنیت به جمهوری اسلامی جهت تعلیق غنی‌سازی اورانیوم و بازگشت به مذاکره و احتمال انجام اقدامات "تنبیهی" نظیر اعمال برخی تحریم‌ها علیه ایران، بویژه از سوی آمریکا، مقامات آلمانی در هراس از دست دادن منافع اقتصادی خویش به نفع رقبای دیگر در ایران، شدیداً به تکاپو افتاده‌اند. در این چارچوب، مقامات "اتاق بازرگانی" آلمان با انتشار بیانیهای اخطار داده‌اند که "با تحریم اقتصادی ایران، اقتصاد آلمان متحمل ضربات سختی خواهد شد و بیش از ده هزار فرصت شغلی در آلمان از بین خواهد رفت."

این سخنان در حالی عنوان می‌گردد که از زمان روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی که حاصل توافقات امپریالیستی بین دول جهانخوار آمریکایی و اروپایی در "کنفرانس گوادولوپ" بود، دولت‌های اروپایی و در رأس آنها آلمان و فرانسه سهم قابل توجهی از بازار ایران را بدست آورده و به برکت وجود رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی منافع بسیاری را از بابت غارت منابع ملی و دسترنج کارگران و زحمتکشان ما به جیب زده‌اند. تاجایی که نگاهی به حجم مراودات جمهوری اسلامی با این دولت‌ها نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر حداقل ۴۷ درصد واردات رژیم از آلمان و فرانسه تأمین شده است. علاوه بر این، رشد روزافزون حضور کمپانی‌های نفتی فرانسوی و بدنال آن روسی و چینی در بازار نفت و گاز ایران و غارت این منابع توسط آنها منجر به اعمال فشارهای دولت آمریکا به رقبای خود برای صرف‌نظر کردن از بخشی از منافع‌شان در بازارهای ایران شده است. امری که انعکاس مستقیم آن را می‌توان به وضوح در بحران مربوط به پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی و تهدیدات

آمریکا مبنی بر احتمال حمله و یا تحریم اقتصادی این رژیم وابسته دید.

(ادامه در صفحه ۳)

تشدید تضادهای درونی در هیات حاکمه آمریکا

در چارچوب تضادهای موجود در میان دولت‌ها و جناح‌های مختلف امپریالیستی حول چگونگی برخورد با "پرونده هسته‌ای" رژیم جمهوری اسلامی، اخیراً تعدادی از دیپلمات‌ها و مقامات بلندپایه نظامی پیشین آمریکایی با ارسال نامه‌ای به بوش خواستار "مذاکره فوری" دولت آمریکا با جمهوری اسلامی شدند. به گزارش خبرگزاری فرانسه در این نامه سرگشاده که توسط ۲۰ تن از مقامات سابق حکومتی امضا شده از جمله آمده است که "ما در مورد نظریه استفاده از نیروی نظامی بر ضد ایران قاطعانه هشدار می‌دهیم، بحران‌های کنونی باید از راه‌های دیپلماتیک و نه از راه اسلحه حل شوند". امضا کنندگان این نامه هشدار داده‌اند که سیاست‌های دولت بوش در برخورد با بحران خاورمیانه، "امنیت ملی" آمریکا را به خطر انداخته است. انتشار این نامه در شرایطی صورت می‌گیرد که دولت بوش هم‌پیمانان اروپایی خود را تهدید کرده است که اگر در مورد چگونگی برخورد با پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی با آمریکا در شورای امنیت به توافق نرسند، دولت آمریکا ممکن است با "دور زدن" سازمان ملل، "ائتلاف" دیگری را خارج از محدوده شورای امنیت، برای پیشبرد سیاست‌های مورد نظر خود در مورد ایران ایجاد کند.

در همین حال، روزنامه لبراسیون چاپ پاریس نیز طی سرمقاله‌ای در مورد بحران هسته‌ای جمهوری اسلامی، با عنوان "ناتوانی" به تضادهای فی‌مابین دولت‌های غربی در ارتباط به چگونگی برخورد با پرونده هسته‌ای رژیم

اشاره کرد و نوشت: "تردیدی نیست که اقداماتی بر علیه ایران صورت خواهد گرفت ولی کمتر کسی باور دارد که این تنبیهات کاربرد واقعی داشته باشند".

در حاشیه

سرکوب وحشیانه

کارگران "پاریس"



روز ۴ شهریور ماه جاری، رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی با حمله به تحصن مسالمت آمیز کارگران در سنندج و ضرب و شتم وحشیانه و دستگیری تعدادی از آنها، بار دیگر ماهیت ضدحلقی خویش را به نمایش گذارد.

(ادامه در صفحه ۳)

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 7946494034

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

